



بررسی تطبیقی سبک سیاستمداری رهبران انقلاب (امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام) مبتنی بر مدل کری واک

عباس شفیعی -

چکیده

امام خمینی علیه السلام و سپس آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به عنوان رهبران انقلاب اسلامی موجب دگرگونی در جهان شده و معادلات جهانی را تغییر داده‌اند. این مهم در سبک سیاستمداری آنها در سطح ملی و بین‌المللی متبلور است. از این رو، بررسی تطبیقی رهبری آنان مفید است. این مقایسه، با بهره‌گیری از مدل «کری واک» با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی و روش تحلیل، مبتنی بر مدل «کری واک» است. نتایج نشان می‌دهد که از منظر تئوری‌سازی، رهبری مقام معظم رهبری در امتداد و بازنمود رهبری امام راحل علیه السلام است و جنبه تکمیل‌کنندگی دارد. افزون بر این، الگوهای مورد مطالعه، در مبانی و منظومه فکری همانندی دارند؛ بدین سان که هر دو الگو مبانی توحیدی دارند و از منظومه فکری اسلام سیراب می‌شوند. این در حالی است که الگوها در صحنه عمل با توجه به کاربست رهبری اقتضایی در هر دو الگو متفاوتند؛ امام راحل علیه السلام با پیشنهاد مدل مدیریت بر قلب‌ها به رهبری نرم گرایش دارد، بنابراین از منظر نظری بر رهبری سخت در مقابل دشمنان تأکید می‌کند. با وجود این، کاربست رهبری سخت در زمان ایشان در مواردی امکان‌پذیر نبوده است؛ ولی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام هوشمندانه و تلفیقی از رهبری نرم و

- استادیار گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، Email: ashafiee844@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳۰

سخت است که در اوضاع کنونی جهان به عنوان الگویی موفق عمل کرده است.
واژه‌های کلیدی: رهبری، رهبری اسلامی، الگو، امام خمینی علیه السلام، آیت الله
خامنه‌ای علیه السلام، سیاستمداری اسلامی.

۱. مقدمه

«رهبری اسلامی» سازه‌ای دینی است که در ابعاد نظری و کاربردی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات اسلامی برخوردار است. براینکه این مفهوم دینی در حوزه نظریه‌سازی و به دنبال آن مدل‌سازی و کاربست الگوهای دینی منبعت از آن در سیاست اسلامی در سطح کلان (جامعه) و سطح خرد (سازمان) و تأثیرگذاری آن بر ساماندهی و جهت‌گیری جوامع اسلامی، خود گویای ایفای نقش کلیدی در دوره‌های مختلف است. از جمله الگوهای دینی در روزگار حاضر که می‌توان با تکیه به رهیافت‌های اسلامی به عنوان الگوی موفق در دنیای متلاطم امروزی به آن توجه کرد، الگوهای است که امام راحل علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای علیه السلام در سیاستمداری اسلامی ارائه کرده‌اند و در نتیجه تبیین علمی الگوهای مزبور و سازه‌های مرتبط با آن ضروری است. در این مقاله، سعی نگارنده در طرح نظری الگوهای مورد نظر و مقایسه آنها از منظر پارادایمیک و کاربردی است.

۲. بیان مسئله

با مرور متون دینی مشاهده می‌شود که سازه «رهبری اسلامی در سیاستمداری» با مفهوم هدایت همراه بوده و اساساً رهبری در جامعه دینی به مفهوم هدایت مستمر نیروها به تعالی است (سجده: ۲۴). در مقابل، رهبری غیردینی دعوت مستمر نیروها به گمراهی است (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۶۸). با توجه به این مفهوم اسلامی و با واکاوی رهیافت‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌توان الگو یا الگوهای ارائه و پیشنهاد کرد که به طور اثربخش نیروهای سازمانی را به سوی تعالی هدایت کند. از جمله الگوهای کاربردی اثربخش که می‌توان با تکیه بر رهیافت‌های دینی مطرح کرد، الگوهای رهبری امام راحل علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای علیه السلام در سیاستمداری است. بنابراین، طرح اجمالی الگوهای مزبور و بررسی آنها با روشی تطبیقی از یک سو می‌تواند، اثربخشی الگوها را نشان دهد و از سوی دیگر برای رهبران و مدیران در سازمان‌های نظام جمهوری اسلامی راهگشا و مفید باشد و چرایی مطالعه تطبیقی

سبک رهبران را توجیه کند. بررسی تطبیقی رهبری رهبران انقلاب با تکیه بر مدل «کری واک» مسئله اصلی این پژوهش است. از این رو، مسئله تحقیق، چستی شباهت‌ها و تفاوت‌های الگوی رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌الله در سیاستمداری اسلامی است که به عنوان دغدغه اصلی پژوهش در این مقاله تلقی می‌شود.

۳. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برخی از اندیشمندان، رهبری را با «نفوذ» برابر می‌دانند و معتقد هستند که «رهبری، هنر یا فرایند نفوذ بر مردم است، طوری که از روی میل و اشتیاق در جهت دستیابی به هدف‌های گروه تلاش کنند (کونتزو دیگران، ۱۹۹۰: ۳۹۷). عده‌ای نیز در تعریف رهبری معتقد هستند که «رهبری به عنوان یک فرایند، عبارت از قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار، برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیت‌های اعضای گروه، به منظور دستیابی به هدف است» (مورهد و گریفین، ۲۰۰۱: ۳۳۴). نفوذ پاسخ رفتاری نسبت به اعمال قدرت یا نتیجه‌ای است که از طریق به کارگیری قدرت حاصل می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۳: ۷) از سوی دیگر، پیروی و داشتن پیرو از مشخصه‌های رهبری است، البته قلمرو رهبری در آینه پیروی، بستگی به میزان اخلاقی و غیراخلاقی بودن دستورات رهبری دارد (همان).

در ادبیات اسلامی، واژه معادل «رهبر و رهبری»، «امام و امامت» است، «امام» یعنی پیشرو و پیشوای مردم در فضائل. از واژه امام در کتاب‌های لغت به «شاقول» یا «ریسمان کار» تعبیر شده است که بنایان با آن اندازه می‌گیرند تا دیوار راست آید؛ «امام» همان طلای نابی است که عیار سکه‌های مضروب برطبق آن واقع می‌شود، «امام» راهنمایی است که مسافران در تاریکی شب در پی او راه را طی می‌کنند و تیری است که در کارخانه‌های اسلحه‌سازی مورد استفاده قرار گرفته تا دیگر تیرها مثل آن ساخته شوند (شیخ صدوق، ۱۳۷۹: ۹۶) «امام» (رهبر اسلامی) مشعل هدایت، آفتاب عالم تاب، حرارت هستی بخش، تجلی انس الهی، پناهگاه بندگان، امانت الهی، حاملان قدرت و علم خداوندی، برهان و حجت الهی، و مظهر عبودیت توحیدی است (حسینی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۲). در تعبیر نهج

البلاغه رهبر و امام رشته‌ای است که مرواریدها را در کنار همدیگر قرار داده و آنها را با هم یکسان می‌سازد (نهج البلاغه خ ۱۴۶)؛ برخی از اندیشمندان اسلامی افزون بر هدایت و راهنمایی و هدایت بر عناصر دیگری همچون بسیج نیروها تأکید می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۱۴). در تمام این تعبیرها، الگو، پیشوا و مقتدا بودن مورد تأکید بوده و هدایت به عنوان نقطه تمرکز رهبری قلمداد شده و وظیفه امام یا رهبر، راهنمایی و هدایت است؛ و رهبری فرایند مستمر هدایت نیروها به امر الهی است که در آن تبشیر و انذار صورت می‌گیرد (انبیاء: ۷۳). برخی بر این باورند که در مفهوم هدایت به تعالی، رهبران، امر خدا را بر امر خود مقدم می‌شمردند، ولی در دعوت به گمراهی، فرمان خود را بر فرمان پروردگار مقدم می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۲۹۷). شاید این امر نقطه تمایز میان رهبری اسلامی و غیراسلامی باشد؛ چه اینکه در قاموس خلقت، حق مساوق وجود بوده و حقیقت تنها در توحید الهی متجلی است و همه چیز غیر از حق، باطل است؛ اینک اگر کسی امر خود را بر امر الهی مقدم بدارد، مفهومش این است که بر اساس نفسانیت خویش عمل کرده و غیرالهی است؛ بنابراین، نوع رهبری او نیز منشأ نفسانی داشته و غیراسلامی خواهد بود. در رهبری اسلامی سیاست و سیاستمداری مفهوم خاصی دارد؛ در این عرصه، منظور از سیاست و سیاستمداری عبارت از اعمالی است که از حرفه زمامداری ناشی می‌شود و آن اعمال شامل ایجاد افعال و ملکات و فضائل در جامعه و نگهداری از آنها است و این نوع از سیاست از راه دانش و تجربه خاص سیاستمداران تحصیل می‌شود (ابونصر فارابی: ۵۴). از دیدگاه اسلامی، سیاستی مورد نظر است که در آن شاخص‌هایی همچون معنویت، عدالت، ثروت و رفاه باشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۸۱/۷/۱۷). افزون بر این، بر مبنای اندیشه اسلامی، در سیاست جلب رضایت خدا و ادای تکلیف و تحقق حیات طیبه اسلامی و نیل به سعادت ابدی و رسیدن به کمال و تحقق فضائل انسانی وجود دارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۷۹/۹/۱ و ۸۳/۱/۲ و ۷۴/۱۲/۱ و ۱۳۷۰/۱/۲۹ و ۱۳۷۶/۹/۷). از این رو، بر اساس تفکر اسلامی، الگوهای رهبری با فضائل انسانی تنیده می‌شود و در این ادبیات، مفهوم الگو جایگاه خاصی دارد. در ادبیات علمی مراد از الگو یا مدل، نسخه کوچک شده یک شیء یا پدیده است که بیشترین شباهت‌ها و حتی خصوصیات یک پدیده را منعکس

می‌کند؛ عده‌ای میان واژه «الگو^۱» و «مدل^۲» تمایز می‌گذارند، ولی بسیاری بین «الگو» و «مدل» تفاوتی قائل نشده‌اند و این دو واژه را به جای هم به کار برده‌اند (گرچی ۱۳۸۸).

مدل‌ها از نظر «هیو و کلیور» (۱۹۸۲) به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: مدل‌های فیزیکی^۳، مدل‌های ذهنی^۴ و مدل‌های نمادین^۵. مدل‌های فیزیکی به مدل‌های تمثیلی مانند اسباب بازی‌ها و مدل‌های ترسیمی مانند نقشه یا طرح ترسیمی هواپیما تقسیم می‌شوند؛ مدل‌های ذهنی تصاویر ذهنی یا مفاهیمی است که آدمی در ذهن خود دارد، مانند تصویر ذهنی ارتباطات و مدل‌های نمادین که معمولاً انتزاعی‌اند؛ مدل‌های نمادین به مدل‌های کلامی مانند گفتار و نوشتار و مدل‌های ریاضی که شاخص آنها فرمول‌های ریاضی است تقسیم می‌شوند. گفتنی است که افزون بر این تقسیم‌بندی، مدل‌ها بر حسب عملکردشان نیز به مدل‌های توصیفی^۶، پیش‌بینی‌کننده^۷ و هنجاری^۸ تقسیم می‌شوند. در مدل‌های توصیفی سعی بر این است که واقعه یا پدیده‌ای توصیف گردد در حالی که در مدل‌های پیش‌بینی‌کننده، پیش‌بینی مبنای قرار گرفته مانند تجزیه و تحلیل‌های مربوط به نقطه سربه سر و نمودارهای روش ارزیابی و بازنگری برنامه^۹ و آن دسته از مدل‌ها که کوشش می‌کنند نشان دهند برای تحقق خواسته‌ای چه باید کرد مانند برنامه ریزی خطی و محاسبه موجودی انبار، مدل‌های هنجاری نامیده می‌شوند. مدل‌ها و الگوهای مفهومی در مسائل اجتماعی کاربرد زیادی داشته و در مواردی چون توصیف، شرح و پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی کاربرد دارند (الوانی، ۱۳۶۷). منظور از الگوی اسلامی، مدل مفهومی و انتزاعی

1. Pattern
2. Model
3. physical modeles
4. mental modeles
5. symbolic modeles
6. descriptive
7. predictive
8. normative
9. pert

است که بعد از تحلیل گزاره‌ها و گزاره‌پردازی حاصل می‌شود. در متون دینی واژه «الگو» دارای مفهومی عمیق، گسترده و ارزشی است که غالباً به عنوان سازه‌ای اجتماعی مطرح می‌شود؛ چه اینکه در آموزه‌های اسلامی به معنای سرمشقی نیکو برای پیروان است (احزاب: ۲۱). در این پژوهش، با موضوع مطالعه تطبیقی الگوهای رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مدل‌های اجتماعی مبتنی بر الگوهای اسلامی مدنظر است، از این رو، با توجه به رویکرد اسلامی، سازه رهبری، می‌تواند به عنوان مدلی اسلامی منظور شود و در ابعاد «معرفتی، عاطفی و رفتاری» خود را نشان دهد. در نتیجه در بستر رویکرد اسلامی، «امام» و «رهبر» به عنوان الگو و سرمشق برای مردم در جامعه در نظر گرفته شده است (احزاب: ۲۱). بنابراین، امام یا رهبر دینی، الگو و سرمشقی اجتماعی است که دیگران لازم است از آن تبعیت کنند. با توجه به این مهم، مطالعه تطبیقی الگوهای رهبری مبتنی بر رویکرد اسلامی همانند الگوهای رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری ضروری است؛ افزون بر این با بررسی انجام شده مشاهده می‌شود که خلأ پژوهشی در این زمینه وجود دارد؛ چرا که در زمینه رهبری امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام نوشته‌های متعددی وجود دارد، اما در اکثر نوشته‌ها به مدل یا الگویی از رهبری ایشان در سیاست اسلامی پرداخته نشده است؛ افزون بر این، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در زمینه موضوع پژوهش، یعنی مقایسه الگوهای رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری در سیاستمداری اسلامی، پژوهشی قابل اعتنا وجود ندارد؛ با وجود این، به برخی از نوشته‌ها که به مبانی یا نقش رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام پرداخته، اشاره می‌شود.

۱. رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی علیه السلام (۱۳۹۱). این اثر به قلم علی آقا پیروز به رشته تحریر در آمده و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی آن را منتشر کرده است. نگارنده در آن سعی کرده مدلی از رهبری امام راحل علیه السلام را در سطح ملی و سازمانی ارائه کند.
۲. عناصر رهبری سیاسی امام خمینی علیه السلام (۱۳۸۳). این اثر را محمد علی مهدوی نگاشته است و در آن عناصر رهبری امام راحل علیه السلام را تحلیل کرده است.
۳. رهبری خدمتگزار (۱۳۹۲). این اثر را آقای شیخ زاده به رشته تحریر در آورده و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب مدلی علمی از رهبری

امام علیه السلام با عنوان رهبری خدمتگزار ارائه کرده است.

۴. سبک رهبری امام خمینی علیه السلام (۱۳۸۷). این اثر را عباس شفیعی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به رشته تحریر در آورده است که در آن مدلی اسلامی با عنوان «مدل مدیریت بر قلوب» از سبک رهبری امام راحل علیه السلام تدوین و ارائه شده است.

۵. کتاب‌های منظومه فکری حضرت امام خمینی علیه السلام و منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام (۱۳۹۶). این دو کتاب به همت عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران در چهار بخش نظام‌های بینشی، نظام‌های منشی و رفتاری، نظام‌های اجتماعی اسلام و اهداف اجتماعی اسلام تدوین شده است که در هر بخش منظومه فکری حضرت امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است.

۶. کتاب نیمه پنهان نوشته محمد تقی کرامتی (۱۳۹۳). این کتاب در سه مجلد تدوین شده و به شرح وقایع و بحران‌های کشور از خرداد ۱۳۶۸ تا تحولات پس از انتخابات ۷۶ و نقش رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در مدیریت این تحولات پرداخته است.

۷. فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام (۱۳۹۵). این کتاب به همت محسن مهاجرنیا بر اساس روش پرسشگری سیاسی در پاسخ به بیست سؤال اساسی در شش محور کلی روش فهم و مبانی فلسفه سیاسی، مناسبات زندگی فردی و اجتماعی، حقیقت حیات شهروندی، جایگاه حکومت و شهروندی و جهت‌گیری غایی و آرمانی در فلسفه سیاسی سامان یافته است و در نتیجه نوع حکمرانی و وجهه سیاسی مقام معظم رهبری در ساحت‌های مختلف بررسی و واکاوی شده است.

۸. پس از خمینی: ایران در دست پیروان امام خمینی علیه السلام (۲۰۰۹). این کتاب نوشته سید امیر ارجمند است که به تحلیل روند انقلاب پس از رحلت حضرت امام علیه السلام پرداخته و اذعان می‌دارد که یاران ایشان بعد از رحلت وی حکومت را در دست گرفته و به مدیریت وقایع پرداخته‌اند و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام چهره ماندگار و اثرگذار در بین یاران امام علیه السلام و جانشین ایشان بوده است که تحولات بعد از سال ۱۳۶۸ را به خوبی و با اقتدار رهبری کرد.

۹. رهبران جهان مدرن؛ علی خامنه‌ای علیه السلام (۲۰۰۸). این کتاب اثر جان مورفی است

که با رصد رهبران بزرگ در جهان معاصر به تحلیل شخصیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای به عنوان یکی از رهبران بزرگ در جهان مدرن پرداخته است.

۱۰. درک ایران (۲۰۰۹). این کتاب به قلم جرولد. دی. گرین و فردریک تدوین شده است. در بخش مهم کتاب به تبیین تأثیرها و جهان‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای و نقش رهبری ایشان در تحولات ایران پرداخته است.

۱۱. قدرت، اسلام و نخبگان سیاسی در ایران (۲۰۰۸). این کتاب اثر اوا پاتریشیا راکل است که به مطالعه نخبگان سیاسی از امام خمینی علیه السلام تا احمدی نژاد و تأثیرات و نقش آنان در تحولات ایران پرداخته است.

۱۲. «الگوی رهبری معنوی هوشمند» (الگوی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای) (۱۳۹۸). این مقاله نوشته نگارنده در شماره ۹۱ فصلنامه حکومت اسلامی چاپ شده که به بررسی مدل رهبری مقام معظم رهبری پرداخته است.

۱۳. «تفاوت رهبری امام خمینی علیه السلام با رهبران جهان» منتشر شده در مجموعه مقالات نهمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی.

۱۴. «در آمدی بر اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای در تحقق جامعه اسلامی» (۱۳۹۹). این مقاله را محمد حسین فتاحیان نوشته و در مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی شماره ۳۳ منتشر کرده است.

۱۵. مقایسه سیره سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای با امام خمینی علیه السلام (۱۳۹۹). پارسیمان دانشگاهیان.

۱۶. نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه‌ای (۱۲۹۹). این مقاله نوشته مسعود جعفری نژاد، غلامحسین زارع و اسماعیل شفیعی است که در مجله رهیافت انقلاب اسلامی شماره ۵۱ منتشر شده است.

بررسی آثار منتشر شده و نوشته‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که اگر چه در برخی از آثار به مدل‌های رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری دامنه‌ای و مبانی و شخصیت آنها و نقش ارزشمند ایشان پرداخته شده، اما به نظر می‌رسد در زمینه مقایسه الگوهای رهبری امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری دامنه‌ای نوشته‌ای مستقل وجود ندارد. از این رو، در این زمینه،

خلاً پژوهشی احساس می‌شود و انجام مطالعه در زمینه موضوع این مقاله توجیه علمی دارد.

۴. روش پژوهش

سؤال کلی در اینجا این است که روش تحقیق در این پژوهش چیست؟ روش یک شیوه خاص و مناسب برای گردآوری داده‌های پژوهش بر مبنای فلسفه و چهارچوب نظری است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). از این رو، روش‌شناسی، چهارچوب نظری را در پژوهش بیان می‌کند که مشتمل بر روش نیز است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). نوع پژوهش، نظری است و استراتژی تحقیق از تحقیقات بنیادین و مبنایی پیروی می‌کند و گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی و جمع‌آوری اسناد و با روشی کتابخانه‌ای بوده است. از این رو، در این تحقیق روش جمع‌آوری اطلاعات، استراتژی و شیوه تحلیل بیان شده و به چهارچوب نظری اشاره می‌شود. همچنین روش تحقیق در این پژوهش، روشی توصیفی - تحلیلی است؛ با این توصیف، الگوهای رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت برکاته به صورت توصیفی طرح شده و گردآوری اسناد صورت می‌گیرد، سپس در گستره روش کیفی محتوای پیام‌ها تحلیل می‌شوند. همچنین، منطق تحلیل از روش تطبیقی پیروی می‌کند و در تحلیل داده‌ها از روش تطبیقی مبتنی بر مدل «کری واک» استفاده می‌شود. بر اساس این مدل شاخص‌های اصلی در تطبیق دربرگیرنده مواردی همچون چهارچوب ارجاع^۱ (چهارچوب نظری)، بنیاد یا زمینه‌های تطبیق^۲، تز یا فرضیه^۳، ترتیب ساختاری^۴ و اتصال (الف) و (ب)^۵ است (کری واک، ۱۹۹۸). این مراحل در شکل شماره (۱) نشان داده شده است:

1. Fram of Reference
2. Grounds of comparison
3. Thesis
4. Organization scheme
5. Linking of A&B



شکل ۱. مراحل مدل کری واک
(منبع: کری واک ۱۹۹۸)

در مرحله چهارچوب ارجاع یا چهارچوب نظری، ایده یا موضوع یا بن‌مایه و تئوری یا یک سؤال مطرح می‌شود. بعد از تعیین تئوری یا مدل که همان چهارچوب نظری است، چرایی انتخاب مدل‌ها برای تطبیق مطرح شده و مقایسه انجام می‌شود و در مرحله تز و فرضیه ارتباط دو مدل برای هم‌سنجی از منظر امتدادبخشی یا تکمیل و تفسیر کنندگی یا تضاد آنها مورد توجه است تا به این صورت، ترتیب ساختاری آنها در قالب مقایسه نکته به نکته یا در قالب تطبیق کلاسیک (هم‌وزن قرار گرفتن) انجام می‌شود و در نهایت نوع ارتباط و اتصال الف و ب مطرح می‌شود (کری واک، ۱۹۹۸). در این پژوهش با توجه به مراحل پنج‌گانه مدل «کری واک» در روش تطبیقی، هم‌سنجی میان مدل رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام انجام می‌شود.

۵. تحلیل یافته‌ها با شاخص‌های مدل کری واک

همان‌گونه که در روش پژوهش اشاره شد، مدل کری واک در روش تطبیقی مشتمل بر مراحل پنج‌گانه است که در این بخش از مقاله با توجه به آنها واکاوی مدل‌های رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام صورت می‌گیرد.

۵-۱. چهارچوب نظری و منظومه فکری رهبری امام راحل علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای علیه السلام

منظور از چهارچوب نظری یا ارجاع در هم‌سنجی رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام، بستر فکری است که در آن مدل‌های منتخب برای تطبیق در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد. در حقیقت این چهارچوب همچون چتری عمل می‌کند که زیر لوای آن اطلاعات مربوط به بستر فکری رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام دسته‌بندی می‌شود؛ چراکه یک چتر یا چهارچوب می‌تواند یک ایده یا موضوع یا بن‌مایه یا یک پرسش در خصوص موضوع پژوهش (رهبری رهبران انقلاب) باشد و وجوه تشابه و تفاوت را طرح نماید (کری واک، ۱۹۹۸).

۵-۱-۱. تشابهات در مبانی فکری (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی)

اینک سؤال این است که مبانی فکری در رهبری امام راحل علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای علیه السلام چیست؟ به منظور پاسخ به این پرسش، لازم است مبانی توحیدی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی) امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام تحلیل گردد؛ چه اینکه مبانی فکری این رهبران با عنایت به منظومه فکری ایشان در بستر مبانی توحیدی قابل تفسیر است. در الگوهای مرتبط با رهبری اسلامی، مبانی توحیدی مشتمل بر مواردی همچون معرفت‌شناسی توحیدی، هستی‌شناسی توحیدی و انسان‌شناسی توحیدی است. معرفت‌شناسی به دیدگاه رهبر توحیدی در خصوص نحوه کسب شناخت از پدیده‌ها بر می‌گردد. هستی‌شناسی به دیدگاه رهبر نسبت به عالم هستی مربوط است. انسان‌شناسی نیز به دیدگاه رهبر نسبت به ماهیت انسان و چیستی آن بر می‌گردد. علت انحصار در سه عنصر فوق، ممکن است به این دلیل باشد که در معرفت توحیدی به سه پدیده «معرفت»، «هستی» و «انسان» پرداخته شده و عمده‌تاً سؤال‌های معرفتی می‌تواند درباره آنها باشد. معرفت‌شناسی، مفهومی است مربوط به این امر که چگونه آنچه را ادعا می‌کنیم درباره جهان اجتماعی می‌دانیم؛ هستی‌شناسی مربوط به نظریه هستی است؛ پاسخ به این پرسش است که معتقدیم چه چیزی وجود دارد؟ برای مثال در رابطه با جامعه‌شناسی یک سؤال هستی‌شناسی می‌تواند این باشد که واقعاً موضوع جامعه‌شناسی چیست؟ (ایمان، ۱۳۸۸).

۵۰) از این رو، به چگونگی معرفت، چیستی هستی و انسان‌شناسی در معرفت توحیدی پاسخ داده می‌شود. در مورد وجودشناسی معرفت، دیدگاه‌های متفاوتی بین حکمای اسلامی وجود دارد. برخی مانند حکمای مثناء، معرفت را حالت و چگونگی ای می‌دانند که بر نفس انسان عارض می‌شود. بنابراین، از آن به صورت، یا ماهیت معلوم نزد عالم یاد می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۵: ۱-۲). اما صدرالمتألهین، معرفت را نه کیفیت و چگونگی عارض بر نفس، بلکه نحوه وجودی می‌داند که با نفس عالم متحد می‌گردد و مرتبه‌ای از مراتب نفس را تشکیل می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۹۷). در توضیح و تحلیل انسان‌شناسی در گزاره‌های قرآنی مشاهده می‌شود که دسته‌ای از آموزه‌های قرآنی ناظر بر ارائه تصویر مطلوب از آدمی است (بقره: ۲۹ و ۳۱ و ۳۴) (انعام: ۱۶۵، اسراء: ۷۰ سجده: ۹ احزاب: ۷۲، شمس: ۸). دسته‌ای دیگر از گزاره‌های قرآنی ناظر بر تصویر نامطلوب از آدمی است (نساء: ۲۸، ابراهیم: ۳۴، اسراء: ۱÷۱ و ۸۳ و ۱۰۰ معارج: ۱۹ علق: ۶، عادیات: ۶ و ۸).

تحلیل انسان‌شناسانه قرآنی نشان می‌دهد که اساس خلقت بشری بر ویژگی‌های مثبت نهاده شده است و در این رویکرد، ویژگی‌های منفی ذاتی نیست. از این رو، ویژگی‌های مثبت مربوط به جنبه الهی و بُعد معنوی انسان و ویژگی‌های منفی مربوط به طبیعت و بُعد مادی انسان است. به تعبیر دیگر، گفته می‌شود که انسان دارای دو «خود» و «هویت» است؛ یکی خود و هویت واقعی و دیگری غیرواقعی. ویژگی‌های مثبت، مربوط به خود واقعی است. در این اندیشه توحیدی، در رأس همه عالم هستی یک واجب الوجود که همان خداوند تعالی است، قرار دارد و همه آنچه در مراتب بعدی قرار گرفته است، مخلوق او بوده و موجودات ممکنه هستند که در تمام زمینه‌ها در فقر مطلق نسبت به ذات خداوند به سر می‌برند (حائری، ۱۳۸۵: ۲۱۷). در این چهارچوب فکری، آیات مربوط به ویژگی‌های منفی و کلیه اوصاف پست انسانی در قرآن یا از قبیل صفاتی است که با دخالت انسان و با اختیار او به وجود می‌آید مانند: ناسپاس و ستمگر یا صفاتی که زمینه خلقت انسان ایجاب می‌کند که انسان دارای آن صفت بوده باشد مانند: حریص، شتابگر و ضعیف (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۹).

بنابراین میان گزاره‌های دسته اول و دسته دوم می‌توان ویژگی‌های منفی انسان را توجیه کرد و برای وی ویژگی‌های مثبت را ثابت دانست.

۵-۱-۲. تشابه و سازگاری در استراتژی و سیاستمداری

با توجه به مشابهت رهبری امام راحل علیه السلام با رهبری آیت الله خامنه‌ای علیه السلام در منظومه فکری مبتنی بر مبانی ارزشی همچون «انگیزه الهی» و «تکلیف‌گرایی» این سازگاری و همگونی در صحنه رفتار در سیاست و سیاستمداری نیز قابل مشاهده است؛ چنانچه در گفتار امام مشاهده می‌شود که انگیزه الهی (قصد خالص الهی) در پیروزی انقلاب و شکل‌گیری نهادهای انقلابی و استمرار آن تأثیر دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۴۴۸). از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که با توجه به انگیزه الهی و منظومه فکری توحیدی «جهاد هوشمند» به عنوان استراتژی حرکت الهی در سیاستمداری تعیین می‌شود و این نقش در مصادیقی همچون «تأسیس نهادها و استمرار آنها»، «عزل و نصب‌ها»، «برخورد با مخالفان و اجرای احکام الهی»، «ادامه خدمت و سختی‌های مسیر خدمت رسانی» در سیره امام راحل علیه السلام مشاهده می‌شود (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۴۲). تکلیف‌گرایی یکی دیگر از مبانی ارزشی است که در سیره نظری و عملی امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام قابل مشاهده است. این مسئله در مصادیقی همچون «آرامش روحی امام»، «خودکنترلی»، «هجرت» و «برخورد متحجران» در سیره امام راحل علیه السلام دیده شده است، (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۵۱). همچنان‌که در سیره آیت الله خامنه‌ای علیه السلام نیز مبانی ارزشی همچون انگیزه الهی (اخلاص) و تکلیف‌گرایی در قالب مصادیقی همچون «شناخت دین»، «ایجاد عدالت اجتماعی»، «قانون‌گرایی»، «بصیرت‌افزایی»، «مبارزه برای استقرار حکومت اسلامی»، «تحمل نامایمات»، «اقدام به موقع»، «ثبات قدم»، «ولایت‌پذیری»، «نظارت بر امور»، «اشراف اطلاعاتی» و «تحلیل درست»، «دفاع از اسلام و مسلمین» و «مقابله با استکبار جهانی» دیده می‌شود (پاکیزه و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به مطالب پیشین، از سیره نظری و عملی امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام استفاده می‌شود که رهبری هر دو در منظومه‌های فکری و مبانی ارزشی در سیاستمداری مشابهت دارد.

۵-۲. بنیاد یا زمینه‌های تطبیق رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در سیاست

اسلامی

منظور از بنیاد یا زمینه‌های تطبیق، زمینه و دلایل تطبیق و انتخاب مؤلفه‌های مدل‌های رهبری منتخب در تطبیق است. در این مرحله، باید با توجه به مؤلفه‌های رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام این دانش و آگاهی داده شود که چرا این دو مدل انتخاب شده و چرا این انتخاب عامدانه و آگاهانه است (کری واک، ۱۹۹۸). شاید بتوان چرایی گزینش مدل‌های رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام را در مؤلفه‌های نرم افزاری و سخت افزاری آنها و طراحی و تدوین علمی آنها در برخی منابع دانست (شفیعی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۸). افزون بر این، در تحلیل تطبیقی لازم است مؤلفه‌های مدل‌ها در سیاستمداری اسلامی واکاوی شود. از این رو، گفته می‌شود که اصولاً الگوی رهبری امام راحل علیه السلام دارای مؤلفه‌های نرم است. پس در رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مؤلفه‌های نرم و سخت توأمان قابل مشاهده است؛ چرا که این الگو در ابعاد نظری (تئوریک) و عملی دربرگیرنده مؤلفه‌های «قدرت هوشمند»، «جنگ هوشمند» و «دفاع هوشمند» در سیاست اسلامی است. قدرت هوشمند، اولین بار توسط «سوزان ناسل» در مقاله‌ای با همین عنوان مطرح شد. وی قدرت هوشمند را ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم خواند (رفیع، قربی، ۱۳۹۲: ۴۳). در نظر ناسل، به جای تکیه صرف بر قدرت سخت (ابزار نظامی) یا قدرت نرم (جذب قلوب و افکار) ترکیبی از آن دو به طور هم‌زمان و توأمان به کار گرفته می‌شود. در پیاده‌سازی قدرت هوشمند از سیاست‌ها و فنون متنوعی همچون دیپلماسی هوشمند، مدیریت افکار عمومی، مدیریت ادراک هوشمندانه، تهدیدانگاری هوشمند، تحریم هوشمند، تهدیدسازی هوشمندانه و اشغال و تسخیر فضای ذهنی مردم بهره گرفته می‌شود. بهره‌گیری از این ابزارها بیانگر نوعی مهندسی تلفیقی قدرت نرم و قدرت سخت است (رفیع، قربی، ۱۳۹۲: ۳۹). بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، تلفیق قدرت سخت و نرم در قالب قدرت هوشمند مهم ارزیابی شده و رهبری بایسته است که با تکیه بر قدرت معنوی باشد. همان‌طور که تکیه بر قدرت معنوی در رهبری امام راحل علیه السلام قابل مشاهده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵). بر اساس رویکرد امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام، منطق مادی، قدرت را در ابزارها و

وسایل مشاهده می‌کند، در اتم، در سلاح شیمیایی، در سلاح میکروبی، در وسایل گوناگون پیشرفته مادی؛ با توجه به این رویکرد، اینها همه قدرت نیست، بخش عمده قدرت در وجود انسان‌هایی است که می‌خواهند این قدرت را به کار بیندازند؛ وقتی مجموعه‌ای حقانیت دارد و برای حق و آرمان‌ها و ارزش‌های والا تلاش و مجاهدت می‌کند و آماده است برای این مجاهدت وجود و امکانات و همه توان خود را به کار گیرد، قدرت واقعی آنجاست (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۸۲/۴/۲۹). رهبر حکیم ایران، بر این باور است که مجموعه‌ای که برای حق و ارزش‌های حقانی تلاش می‌کند، از قدرت به شکل حیوانی استفاده نمی‌کند، ظلم نمی‌کند، استکبار نمی‌ورزد، انسان‌ها را تحقیر نمی‌کند، تجاوز نمی‌کند، قدرت مادی از اخلاق بویی نبرده است، قدرت‌های مادی برای حق و ارزش‌های حقانی به کار گرفته نمی‌شوند، منطق صاحبان قدرت مادی منطق جنگل است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۸۲/۴/۲۹). با توجه به مطالب پیشین، در رویکرد امام راحل ره و مقام معظم رهبری عج مهم‌ترین قدرت، قدرت معنوی است که نظام جمهوری اسلامی بر پایه آن استوار و متکی به ایمان و پایه‌های مستحکم عقیده است. با وجود این، از نظر رهبر فرزانه انقلاب عج، تلفیق قدرت مادی و قدرت معنوی می‌تواند کارساز باشد؛ چنان‌که ایشان اظهار می‌دارند که در همه جای عالم نیروهای مسلح یکی از اجزای بسیار مهم اقتدار ملی کشورها به حساب می‌آیند، ولی آن وقتی این اقتدار و این مظهر قدرت ملی اهمیت و ارزش مضاعفی پیدا می‌کند که آنچه در او بروز می‌کند، صرفاً اقتدار به مدد و کمک سلاح نباشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۷۸/۸/۲۲). ایشان بر این باورند که قدرت هوشمند بر پایه معنویت می‌تواند کارگشا باشد: سلاح مهم است، مرد مسلح توانای دفاع است، اما مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است، این آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیر قابل زوال در می‌آورد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج، ۱۳۷۸/۸/۲۲). در دایره قدرت هوشمند، جنگ هوشمند قرار دارد؛ جنگ هوشمند جنگی است که در آن ترکیبی از ابزارها، راهبردها و تاکتیک‌های جنگ سخت و نرم توأمان و به طور هم‌زمان به کار گرفته می‌شود؛ در جنگ هوشمند از سیستم‌ها و تسلیحات

هوشمند بهره گرفته می‌شود، تعبیر «انقلاب در امور نظامی»^۱ ناظر به سیستم‌های هوشمند است؛ موشک‌های دوربرد کروز، مهمات دقیق هدایت شونده در هواپیماها و توپخانه از جمله سیستم‌های هوشمند است. بر اساس این مدل، هوش نیروهای انسانی مهم ارزیابی می‌شود. در برابر جنگ هوشمند، دفاع هوشمند قرار دارد؛ دفاع هوشمند مفهومی ترکیبی از دو واژه «دفاع» و «هوشمند» است؛ «دفاع» از ریشه دفع به معنای از کسی حمایت کردن، بدی و آزاری را از خود یا دیگری دور کردن، وطن، ناموس و حقوق خود را از دستبرد دشمن حفظ کردن است (عمید، ۱۳۶۲: ۵۰۱). «هوشمند» به کسی گفته می‌شود که برای انجام امور خود اهل فکر و دانش و برنامه‌ریزی بوده و هوشمندانه عمل می‌کند؛ با این توصیف، دفاع هوشمند، تدابیر و اقداماتی است که برای ایجاد امنیت و آرامش جامعه و مقاومت در برابر حملات نظامی، امنیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اتخاذ می‌شود. با توجه به مفاهیم قدرت هوشمند، جنگ هوشمند و دفاع هوشمند و با بررسی گفتار و سیره حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به نظر می‌رسد که می‌توان ادعا کرد که اگر چه قدرت و جنگ هوشمند مؤلفه‌های مهمی در رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام است، اما در این رویکرد، جنگ در اولویت نیست؛ بلکه با توجه به شرایط خاص صورت می‌گیرد و راهبرد غالب، «دفاع» است و به دلیل اینکه تهدیدهای دشمنان در عصر کنونی تغییر یافته و ماهیتی پیچیده پیدا کرده است، در نتیجه بر اساس رهبری اقتضایی بایسته است که الگوهای تدافعی تغییر یافته و بر اساس دفاع هوشمند صورت پذیرد. چنانچه ایشان بر این باورند که نیروها باید هوشمندی خود را به کار برده و شیوه‌ای که او (آمریکا) در بین صدها احتمال انتخاب کرده، پیدا کنند و به خودش برگردانند (در مقابل جنگ هوشمند، دفاع هوشمند داشته باشید). البته این دفاع هوشمند بر پایه معنویت و متکی بر قدرت الهی است؛ چنانچه اتکال بر خداوند و دفاع بر پایه معنویت در رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام قابل مشاهده است؛ در رهبری اقتضایی امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام، دفاع هوشمندانه بر پایه معنویت محور حرکت رهبری است؛ رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام بر این باور است که ملت ایران به همان

نسبت که دشمن روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزاید و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر چهره دشمن را در هر لباسی که هست شناسایی کنند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۰/۸/۲۱). دفاع را با رویکرد جهادگرایانه انجام دهند؛ از این رو، در این رویکرد، در برابر قدرت و جنگ هوشمند بایسته است که دفاع هوشمند را با تکیه بر معنویت و با روحیه‌ای جهادی عملیاتی کرد.

۳-۵. تز یا فرضیه هم‌سنجی رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه در سیاست اسلامی

مرحله تز یا فرضیه بر این نکته متمرکز است که رابطه مدل رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه در چیست؟ آیا رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه امتداد رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه است؟ آیا رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه باز نمود رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه است؟ یا رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه تکمیل‌کننده و تفسیرکننده رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه است یا تصحیح‌کننده و یا احياناً مخالف تز رهبری ایشان است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که با وجود شاخص‌های همسان در هر دو مدل، می‌توان گفت که نوع رهبری از سنخ بازنمایی، تکمیل‌کنندگی و تفسیردهندگی است. ایشان بر این باورند که در نظام سلطه یکی سلطه‌گر و دیگری سلطه‌پذیر است که نظام جمهوری اسلامی آن را مردود می‌شمارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۹/۱۲/۹). گزاره‌های دینی متعددی بر امر ظلم نکردن و نپذیرفتن ظلم دلالت دارد که به عنوان مبانی دینی در نفی سلطه‌گری استکباری قلمداد می‌شود (بقره: ۱۲۴، ۲۷۹ و هود: ۱۱۳). بر اساس این مبانی دینی، سیاست اسلامی پایه‌گذاری می‌شود و در نتیجه رهبران انقلاب اسلامی حرکت خویش را در نظام جمهوری اسلامی بر اساس همین سیاست تنظیم کرده و به نظام‌سازی پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه بر این باورند که ممکن نیست کسی معتقد به اسلام باشد، ولی زیر بار زور برود و ظلم را قبول کند، در اسلام همان قدر که ظلم کردن بد است تسلیم ظلم شدن هم همان قدر بد است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، ۱۳۷۶/۸/۱۴). با توجه به سیره و فرمایش امام راحل رحمته‌الله علیه (موسوی

خمینی، ۱۳۸۴) و مقام معظم رهبری شاخص‌هایی همچون ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، کار، حرکت و پیشرفت در سیاست اسلامی وجود دارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۰/۲/۲۸).

همچنین از منظر امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام در کنار سیاست، اقتدار سیاسی معنادار است؛ چه اینکه در این رویکرد، اقتدار کشورها به ابزار قدرت سخت افزاری و نرم افزاری درونی و سرانجام به اعتبار بین‌المللی آنها وابسته است؛ و بدین‌سان، اعتبار کشورها ارتباط مستقیم با میزان قدرت به ویژه در بعد نرم افزاری دارد و همین امر تعیین‌کننده جایگاه و نقش کشورها در سطح بین‌المللی است؛ امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام با توجه به این امر، به اقتدار سیاسی توجه کرده (موسوی خمینی، ۱۳۸۴) و برای استقلال سیاسی کشور، شاخص‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۰/۲/۲۸). امر دیگری که در سیاست اسلامی در رویکرد امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح شده، هوشمندی سیاسی با شاخص بصیرت و بصیرت افزایی است که دشمن‌شناسی و تهدیدشناسی سیاسی را در پی دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴). شناخت دشمن و دسیسه‌های آن با رنگ‌های متعدد و متفاوت و بصیرت و آگاهی به حیل‌های خصم می‌تواند آمادگی سیاسی و امنیتی و سرانجام اتخاذ راهبردهای مقابله هوشمندانه را تسهیل سازد؛ آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام با توجه به امر هوشمندی سیاسی بر این باورند که استحکام یک نظام به ابعاد نرم افزاری همچون ایمان، عزم راسخ، فریب نخوردن از الفاظ چرب و نرم تعارف آمیزی وابسته است که در یک مواردی خیلی راحت در بسیاری از بده و بستان‌های سیاسی مبادله می‌شود در حالی که پشت این الفاظ نرم، چهره خشن و غضب‌آلود آن کسانی قرار دارد که نیت‌های سوء دارند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۹/۱/۲۲). با توجه به این امر، معظم‌له هشدار می‌دهد که بصیر باشید، در شناسایی دشمن، بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۱/۸/۲۷). بر اساس باور ایشان، شناخت شیوه‌های دشمنی خصم نیز مهم ارزیابی می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید: مهم‌تر از شناخت دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست، ما دشمن را می‌شناسیم، اما روش دشمنی را هم باید شناخت، امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و

نفرت و کینه میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمان‌های اسلامی است، منحرف کردن شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۸۱/۹/۱). ایشان اصل مهم بصیرت را در کنار اخلاص و عمل به هنگام و به اندازه قرار داده و آن را شاخصی مهم در هوشمندی سیاسی مطرح می‌کند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۸۹/۸/۲). در کنار بصیرت و اخلاص توجه به وحدت و اتحاد در بین مسئولان و در بین آحاد مردم نشانه دشمن‌شناسی است که در گفتار ایشان تأکید می‌شود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۸۹/۵/۲۷). از گفتار معظم‌له استفاده می‌شود که اگر وحدت ملی نباشد حرف زدن در خصوص وحدت جهان اسلام یک سخن افسانه‌گون است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۷۹/۱/۶). در باور رهبر انقلاب عج همدلی و اتحاد جهان اسلام با شناخت شیوه دشمنی جهان استکبار با ایجاد تفرقه فرقه‌ای و مذهبی همچون طرح مسئله شیعه و سنی تسهیل می‌یابد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۹۲/۶/۱۴). اسلام هراسی و ایران هراسی یکی دیگر از ترفندهای دشمنان نظام اسلامی در سیاست غیردینی آنان است که امروزه طرح شده و نظام استکباری برای درگیر کردن کشورهای منطقه از آن سود می‌برند؛ رهبر انقلاب اسلامی با طرح سیاست اسلامی در این زمینه اظهار داشته است: ملت‌های اسلامی عربی در مقابل توطئه ایران هراسی و ایجاد تفرقه میان ایران و دیگر مسلمانان تحت عنوان شیعه و سنی هوشیار باشند؛ چرا که نظام مردم سالار ایران هرگز به دنبال ایرانی کردن اعراب یا شیعه کردن مسلمین نبوده و نیست و با پیشرفت‌های چشمگیر خود در همه زمینه‌ها آماده است تجربیات بی‌نظیر خود را در راه عزت و اقتدار و پیشرفت امت اسلامی و وحدت و برادری مسلمانان به کار گیرد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عج ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). از این رو، مشاهده می‌شود که رهبری آیت‌الله خامنه‌ای عج در امتداد رهبری امام راحل و جنبه تفسیرگری و تبیینی دارد.

۴-۵. ترتیب ساختاری رهبری امام راحل عج و آیت‌الله خامنه‌ای عج در سیاست اسلامی در مرحله ترتیب ساختاری مدل‌های رهبری امام راحل عج و مقام معظم رهبری عج با عنایت به هم‌گرایی آنها مشخص می‌شود که این هم‌گرایی در پوشش تکمیل‌کنندگی و تفسیردهندگی

و بازنمایی مدل رهبری مقام معظم رهبری علیه السلام از رهبری امام راحل علیه السلام است که در اتحاد استراتژی جهادی خود را نشان می‌دهد؛ چرا که از مطالب پیشین مشخص می‌شود که در الگوی رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، تکیه بر استراتژی جهاد یا دفاع هوشمند است. اینک سؤال این است که محدوده و گستره این دفاع در سیاست اسلامی چقدر است؟ آیا منظور از دفاع، دفاع از مرزهای ملی است؟ یا منظور از آن، دفاع از مرزهای اعتقادی و ایمانی است؟ بدون شک، منظور از دفاع در اینجا «دفاع از اسلام» است که به طور طبیعی دفاع از مرزهای سرزمینی را نیز در بر می‌گیرد؛ این نوع از دفاع نه محدود به سرزمینی خاص بوده و نه متعلق به مکانی خاص یا گروهی خاص است، بلکه در دایره «جهاد فی سبیل الله» به عنوان سیاست اسلامی معنا می‌یابد؛ تا بدین طریق، تمام شکل‌های دفاع (زمانی، مکانی، جغرافیایی، مجازی و...) را پوشش دهد؛ از این رو، با توجه به فلسفه دفاع از مرزهای اعتقادی در الگوی رهبری توحیدی و لزوم دفاع هوشمند در مقابله با دشمنان اسلام مقوله «استراتژی جهاد هوشمند» در سیاست اسلامی مهم ارزیابی می‌شود و در نتیجه این استراتژی جهاد هوشمند مبتنی بر گزاره‌های قرآنی است؛ زیرا خداوند متعال «جهاد هوشمند» را «جهاد کبیر» خوانده و در این زمینه می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا (فرقان: ۵۲)؛ پس از کافران اطاعت نکن و با آنان به جهادی بزرگ پرداز». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه مطلبی گفته‌اند که می‌توان از آن به جهاد هوشمند تعبیر کرد؛ زیرا این جهاد نوعی جهاد عقلی، فکری و فرهنگی و به تعبیری «هوشمند» است (طباطبایی، ۱۳۶۴: ذیل آیه). با توجه به این تفسیر، قرآن وسیله و ابزار روشننگری عقلی و هدایت است که در اندیشه‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات به صورت هوشمندانه صورت می‌گیرد. این تعبیر، از نوشته‌های برخی از مفسران دیگر نیز برداشت می‌شود؛ همچنان‌که برخی بر این باورند که منظور از جهاد کبیر، جهادی است بزرگ به عظمت رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به عظمت جهاد تمام پیامبران پیشین، جهادی که تمام ابعاد روح و فکر مردم را در بر گیرد (هوشمند است) و جنبه‌های مادی و معنوی را شامل شود. بنابراین، بدون شک منظور از جهاد در این مورد جهاد فکری و فرهنگی و تبلیغاتی (جهاد هوشمند) است، نه جهاد مسلحانه، چرا که این سوره مکی است و می‌دانیم دستور جهاد

مسلحانه در مکه نازل نشده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ذیل آیه). مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در تفسیر این آیه افزون بر تعبیر جهاد اندیشه‌ای، جهاد هوشمندانه را تبعیت نکردن از کفار دانسته و عمل هوشمندانه در برابر کفار را به عنوان استراتژی و سیاستی اسلامی یادآوری کرده و در این باره می‌فرماید: امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار ضعیفی است، لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: **وَجِهْدُكُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**؛ در سوره مبارکه فرقان است؛ «بِه» یعنی به قرآن، «جِهْدُكُمْ بِهِ» یعنی به وسیله قرآن با آنها جهاد کن؛ **جِهَادًا كَبِيرًا**. این آیه در مکه نازل شده. در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: **وَجِهْدُكُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا** (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ۱۳۹۵/۳/۳). سپس ایشان طرح پرسش کرده و می‌گوید: آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. **فَلَا تُطِيعِ الْكُفْرِينَ وَجِهْدُكُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ۱۳۹۵/۳/۳). با توجه به تحلیل مذکور، جهاد کبیر با دفاع هوشمند همگونی داشته و این دفاع با حاکمیت معنویت می‌تواند به عنوان سیاست اسلامی بر مدار جهاد هوشمند قرار گیرد، این فلسفه دارای منظومه فکری اسلامی است که طرح آن با محور توحیدی عجین شده است و در طرح کلی اندیشه اسلامی با محوریت توحیدگرایی در قبال استکبار ستیزی تحلیل می‌شود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۹۲). کارکردهای مهم این اندیشه و سیاست اسلامی شامل موارد زیادی است؛ از جمله مهم‌ترین آنها این است که در این اندیشه سیاسی، ایمان زاینده‌گی داشته و همراه با تعهدات عملی است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۹۲: ۱۱۳). افزون بر این، در این اندیشه، روح توحید نفی عبودیت غیرخداست (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۹۲: ۲۳۹). بر همین اساس، روح توحید با ایجاد طبقات اجتماعی همخوانی ندارد (همان، ۲۶۱). همین‌طور بر پایه اندیشه و سیاست

توحیدی، توحید تأثیرات روانی بر آحاد اجتماع دارد (همان، ۲۸۳). اصول دیگری همچون «نبوت» و «ولایت» در این اندیشه، بر مدار توحید مبتنی بوده و با توحیدگرایی پیوند ناگسستنی دارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۹۲). از این رو، با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام می‌توان نتیجه گرفت که ایشان در طراحی، توسعه و اجرای هوشمند استراتژی جهادی همانند حضرت امام راحل علیه السلام عمل کرده و در تبیین راه امام تلاش نموده و به بازنمایی آن کمک کرده است.

۵-۵. مرحله اتصال و افتراق رهبری امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در صحنه عملیاتی

در مرحله اتصال الف (مدل رهبری امام راحل علیه السلام) و ب (مدل رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام) با تکیه بر مدل «کری واک» در روش تطبیقی لازم است به نقاط اشتراک یا افتراق توجه شده و مقایسه مدل‌ها انجام شود (کری واک، ۱۹۹۸). با توجه به این مهم، ممکن است در ذهن عده‌ای این پرسش مطرح شود که اگر امام راحل علیه السلام بر اساس مفروضات اندیشه رهبری اسلامی عمل می‌کردند و از این رهگذر الگویی از رهبری را در صحنه میدانی توصیه کردند، آیا مقام معظم رهبری علیه السلام همان الگوی پیشنهادی را دنبال کرده‌اند؟ یا اینکه الگوی دیگری را مطرح کرده‌اند؟ بر فرض صحیح بودن پرسش پیشین تمایزهای الگوهای مزبور چیست؟

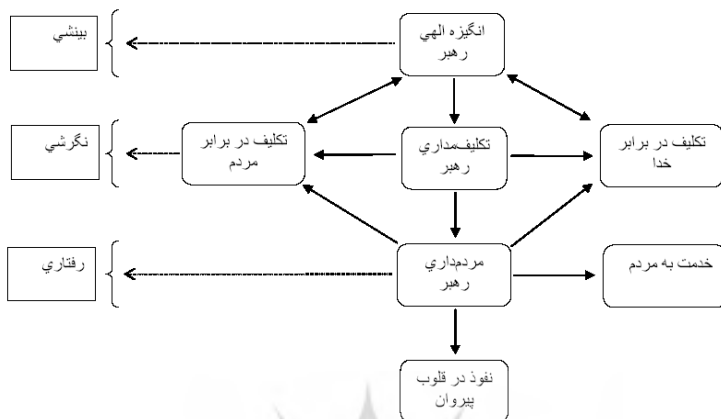
۵-۵-۱. تمایز الگوی رهبری امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام

تحقیقات نشان می‌دهد که امام راحل علیه السلام بر مبنای رهبری اقتضایی، مدلی دینی را به جامعه و حاکمان اسلامی ارائه و پیشنهاد کرده است (موسوی خمینی، ج ۱۴: ۱۸۰). همچنین مقام معظم رهبری علیه السلام با تکیه بر رهبری اقتضایی، مدل دینی مشابهی ارائه کرده‌اند که کاربست آنها در صحنه عملیاتی متفاوت است؛ زیرا به نظر می‌رسد این دو الگو در شیوه‌ها و تاکتیک‌ها متمایزند؛ چون بر اساس مطالعات انجام شده در خصوص رهبری امام راحل علیه السلام با توجه به مدل‌های پیشنهادی مختلف (اسدی فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲) مانند الگوی پیشنهادی روابط رهبر و پیرو (سعدآبادی، ۱۳۸۸: ۳۸۲) و الگوی رهبری امام خمینی در سطح سازمانی و ملی (پیروز، ۱۳۹۱: ۲۴۰-۲۴۳) و الگوی رهبری خدمتگزار امام

خمینی علیه السلام (شیخ زاده، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۲-۳۸۸) بر پیش فرض های رهبری نرم تأکید بیشتری شده و این مدل ها دارای ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های نرم بوده است. اگر چه در رهبری امام راحل علیه السلام بر رهبری سخت در تقابل با استکبار به صورت نظری و ایدئولوژیک تأکید می شود، ولی در اکثر مدل های اخذ شده از مطالعات انجام گرفته کاریست رهبری سخت مشاهده نمی شود؛ برای نمونه یکی از مدل های مهم در رهبری امام راحل علیه السلام «مدل مدیریت بر قلوب» است که بر اساس پژوهشی علمی، الگوی رهبری امام خمینی علیه السلام خوانده می شود (شفیعی، ۱۳۸۷). این در حالی است که الگوی رهبری آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه مبتنی بر رهبری نرم و رهبری سخت به صورت توأمان است (شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). الگوی رهبری امام راحل علیه السلام با عنوان «مدیریت بر قلوب»^۱ به معنای نفوذ و اثرگذاری بر دل هاست به گونه ای که آدمیان از درون متحول گردند. در این مدل، حکومت بر قلوب و ارواح مطرح است نه حکومت بر بدن ها (موسوی خمینی، ج ۱۴: ۱۸۰). با این تعبیر، در مدیریت بر قلب ها بر ابعاد نرم افزاری تأکید می شود نه سخت افزاری؛ زیرا هنر مدیریت بر محور اداره قلوب دور می زند و مدیر باید بتواند قلب های افراد را متحول کند و در نتیجه اگر رهبر یا مدیری خود متحول نشده باشد، نمی تواند عامل تغییر شود. از این رو، هنر نفوذ بر قلوب دیگران، از قلب دگرگون شده یک رهبر نشأت می گیرد که به طور یقین، آن دگرگونی در دست خداست. به تعبیر رهبر فقیه انقلاب «مقلب القلوب خداست به خدا متوجه شو تا دل های مردم به تو متوجه شود» (موسوی خمینی، ج ۱: ۱۲۱). با این توصیف، مشاهده می شود که مدیریت بر قلوب بدون توجه به مبانی الهی بی معناست، زیرا مهم ترین عنصر این مدل، انگیزه الهی است که خود جزو مبانی توحیدی محسوب می شود. برخی از نویسندگان بر مؤلفه انگیزه الهی و خدامحوری در مدل پیشنهادی خود تأکید می کنند. بر اساس پژوهش مزبور، در تدوین الگوی رهبری امام خمینی علیه السلام در دو سطح سازمانی و ملی بر الگویی پافشاری می شود که سه مؤلفه بصیرت (بینشی) خدامحوری و تکلیف گرایی (گرایشی) و رفتارهای کریمانه یا مردمی بودن (رفتاری) را دربردارد (پیروز، ۱۳۹۱: ۲۴۰-۲۴۳). با این حال، مؤلفه های این دو الگو

متناظر به یکدیگرند. در هر صورت در الگوی رهبری امام راحل در کنار عوامل مختلف، نباید از عامل «انگیزه الهی» غفلت کرد. نمودار شماره (۱) مدل مدیریت بر قلوب را نشان

می‌دهد:

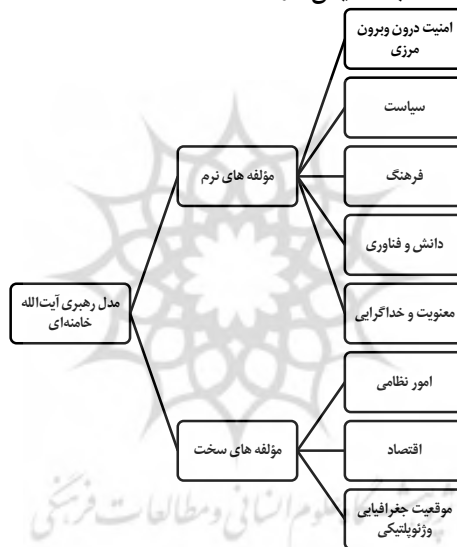


نمودار ۱. مدل مدیریت بر قلوب

(منبع: شفیعی ۱۳۸۷)

بنابراین، در این مدل، مؤلفه‌ها از جنس مؤلفه‌های نرم است؛ شاید طرح این مدل بر مبنای گزاره قرآنی «رحماء بینهم» است که سیره مدیران و رهبران اسلامی را با خودی‌ها در تعامل نرم و به تعبیری رهبری نرم به تصویر می‌کشد و تعامل رهبران اسلامی با دشمنان بر مبنای «اشدء علی الکفار» بر رهبری سخت پافشاری دارد و رهبران انقلاب اسلامی بر اساس این بینش قرآنی بر رهبری نرم با خودی‌ها و رهبری سخت با غیرخودی‌ها تأکید کرده‌اند. در مدل رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای با اینکه مؤلفه‌های نرم به ویژه «معنویت و خداگرایی» اساس قرار گرفته است با وجود این، کاربست مؤلفه‌های سخت نیز از الزامات رهبری محسوب می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین، مدل رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای در سیاست اسلامی دارای ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری است که در حوزه رهبری نرم متضمن بر جنگ نرم، قدرت نرم و دفاع نرم است و در حوزه رهبری سخت متضمن بر جنگ سخت، قدرت سخت و دفاع سخت است. افزون بر این، الگوی رهبری معظم‌له در سیاست اسلامی دارای مؤلفه‌های نرم افزاری و سخت افزاری است. منظور از مؤلفه‌های نرم،

کاربست شیوه‌های نرم مبتنی بر احساسات، عواطف و مبانی فکری و معنوی همچون معنویت و خداگرایی، دانش و فناوری، فرهنگ، سیاست و... است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌عزله، ۱۳۷۷). منظور از مؤلفه‌های سخت، ابزار آلات سخت همانند تجهیزات، ابزار نظامی، امکانات و دستاوردهای مادی است (شفیعی، ۱۳۹۸). چنان‌که مشاهده می‌شود الگوی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌عزله دارای مؤلفه‌های سخت و نرم است که در ابعاد مختلف داخلی و خارجی اثرگذار است. در نتیجه، مقام معظم رهبری با ارائه و کاربری این الگو توانسته است در جهان متلاطم امروزی نقشی بی‌بدیل و سازنده ایفا کند. مؤلفه‌های این الگو در نمودار شماره (۲) به نمایش درآمده است.

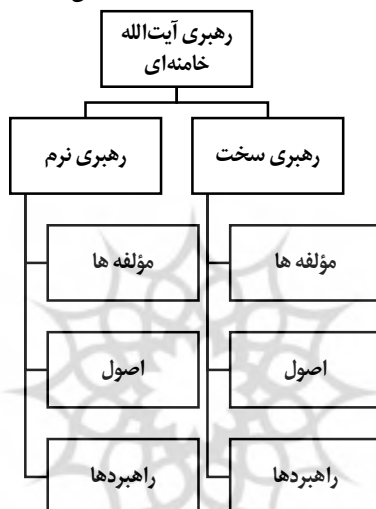


نمودار ۲. مؤلفه‌های مدل رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌عزله

(منبع: یافته‌های پژوهش)

علاوه بر این، می‌توان گفت که الگوی رهبری معظم له دارای اصول مهمی در حوزه رهبری نرم و سخت است. در رهبری نرم می‌توان به اصولی همچون اسلامیت و آرمان‌خواهی و نیز نظام‌سازی با تمدن‌سازی اسلامی اشاره کرد. افزون بر این، اصولی در رهبری سخت همچون امنیت و اقتدار اسلامی، تمامیت ارضی و حفظ ثبات و صلح منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار گرفته است (شفیعی، ۱۳۹۸). همچنین معظم له در رهبری خویش دارای

راهبردهای مهمی در حوزه رهبری نرم و رهبری سخت است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۸). رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در این الگو، راهبردهای مهم نرم و سخت را متناسب با اوضاع و اقتضائات محیطی طرح کرده و پیشنهاد داده‌اند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۸). بنابراین، در خصوص رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، این الگو دارای ابعاد، مؤلفه‌ها، اصول و راهبردهای مهمی در حوزه رهبری نرم و رهبری سخت است (شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۳۷-۱۶۳) که در نمودار شماره (۳) قابل مشاهده است.



نمودار ۳. ابعاد، مؤلفه‌ها، اصول و راهبردهای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام

(منبع: یافته‌های پژوهش)

چنان‌که مشاهده می‌شود الگوی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام همانند الگوی رهبری امام راحل علیه السلام در دایره رهبری اقتضایی تعریف شده و این الگو در حوزه سیاست اسلامی تلفیقی از رهبری نرم و رهبری سخت است که در قضایای مختلف کاربست دو الگو قابل مشاهده است (جدول شماره ۱).

<p>قضیه تشدید اختلافات داخلی و بروز جنگ قدرت و خطر تجزیه کشور بعد از امام راحل^{علیه السلام}، تحصن و استعفای برخی نمایندگان مجلس ششم، جنگ اول خلیج فارس، بحران میکنونوس، ماجرای تقابل آقای منتظری با ولایت فقیه، بحران قتل های زنجیره ای، فاجعه کوی دانشگاه، ماجرای اصلاح قانون مطبوعات، قضیه انتخابات مجلس ششم، ماجرای ترور حجاریان، کنفرانس برلین، بحران ناشی از حادثه یازده سپتامبر اغتشاشات خرداد ۱۳۸۲، ماجرای رد صلاحیت دکتر معین، بحران هسته ای، بحران های فرهنگی، بحران های اقتصادی و سیاسی و امنیتی مانند غائله ۸۸، قضیه جنگ ۳۳ روزه علیه حزب الله لبنان و ۲۲ روزه علیه غزه و قضیه تسلیم شدن کماندوهای آمریکایی و برخورد با آمریکایی ها در عین الاسد و انتقام از آمریکایی ها در شهادت سردار قاسم سلیمانی و...</p>	<p>قضیه کودتای نوژه توسط قطب زاده، برخورد با نهضت آزادی و دولت موقت بازرگان، برخورد با بنی صدر، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، ارتداد سلمان رشدی، نامه به گورباچف. شهادت حجاج ایرانی توسط سعودی ها، شهادت مسافران هواپیما در سرنگونی هواپیمای مسافربری توسط آمریکایی ها، جنگ خلیج فارس، جنگ موشکی به شهرها و جنگ نفتکش ها و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و...</p>	<p>رهبری اقتضایی امام خمینی^{علیه السلام} و آیت الله خامنه ای^{علیه السلام} در قضایای مختلف</p>
---	--	---

(منبع: یافته های پژوهش)

مفهوم رهبری اقتضایی بدان معناست که امام راحل^{علیه السلام} در مواردی در مقابل دشمنان،

از رهبری سخت استفاده کرد، با وجود این، در برخی موارد کاربست رهبری سخت امکان پذیر نبوده است. مقام معظم رهبری نیز با تکیه بر رهبری اقتضایی، تلفیقی از رهبری سخت و رهبری نرم را استفاده کرده است؛ از این رو، مشاهده می‌شود که امام راحل علیه السلام در قضایای مختلف در دایره رهبری اقتضایی عمل می‌کرد. برای مثال امام راحل علیه السلام در قضیه کودتای نوژه به اعضای کودتا از جمله قطب‌زاده ترحم نکرده و بر این امر تأکید کردند که باید حکم خدا اجرا شود (آشتیانی، بی‌تا). همچنین ایشان در قضایایی همچون برخورد با نهضت آزادی و دولت موقت بازگان (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۳۳۱)، برخورد با بنی‌صدر (موسوی خمینی، ج ۱۴: ۳۷۶)، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا (موسوی خمینی، ج ۱۰: ۵۰۳)، ارتداد سلمان رشدی (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۲۶۳)، نامه به گورباچف (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹-۱۳)، جنگ خلیج فارس، جنگ موشکی به شهرها، جنگ نفتکش‌ها و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از رهبری اقتضایی بهره برده است. در این نوع از رهبری، کاربست رهبری سخت یا رهبری نرم، بستگی به اقتضائات محیطی و امکانات و توانایی‌های داخلی دارد؛ زیرا کاربست رهبری سخت در برخی موارد همچون به شهادت رساندن حجاج ایرانی توسط سعودی‌ها یا شهادت مسافران هواپیما در سرنگونی هواپیمای مسافربری توسط آمریکایی‌ها یا جنگ موشکی و جنگ نفتکش‌ها یا حمله آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در جنوب امکان‌پذیر نبوده است. این درحالی است که رهبری اقتضایی مقام معظم رهبری در حوادث مختلف با شیوه‌ها و ابزارهای متفاوت عملیاتی شده است. ایشان در قضایای مختلف بر اساس رهبری اقتضایی عمل کرده است. ایشان در قضیه تشدید اختلافات داخلی و بروز جنگ قدرت (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۶۸/۳/۱۹)، خطر تجزیه کشور بعد از امام راحل علیه السلام (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۱۳)، قضیه تحصن و استعفای برخی نمایندگان مجلس ششم (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵)، جنگ اول خلیج فارس (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۶۹/۵/۲۴)، بحران میکونوس (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۰/۴/۱۸)، ماجرای تقابل آقای منتظری با ولایت فقیه (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۵)، بحران قتل‌های زنجیره‌ای (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۷/۱۰/۱۹)، فاجعه کوی دانشگاه (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام،

۱۳۷۸/۴/۲۱)، ماجرای اصلاح قانون مطبوعات (گل محمدی ۱۳۹۸: ۲۹۳)، قضیه انتخابات مجلس ششم (کرامتی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)، ماجرای ترور حجاریان (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۳۰۹)، کنفرانس برلین (بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۹/۱/۲۷)، بحران ناشی از حادثه یازده سپتامبر (بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۰/۷/۴)، اغتشاشات خرداد ۱۳۸۲ (بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۲/۳/۲۲)، ماجرای رد صلاحیت دکتر معین (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۴۰۲)، بحران هسته‌ای (بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۲/۸/۱۱)، بحران‌های فرهنگی (کرامتی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)، بحران‌های اقتصادی (بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۸۷/۶/۲) و سیاسی و امنیتی مانند غانله ۸۸ (گل محمدی، ۱۳۹۸) و قضیه جنگ ۳۳ روزه علیه حزب الله لبنان و ۲۲ روزه علیه غزه، قضیه تسلیم شدن کماندوهای آمریکایی، برخورد با آمریکایی‌ها در عین الاسد (خبرگزاری جمهوری اسلامی) و انتقام از آمریکایی‌ها در شهادت سردار سلیمانی با عنایت به رهبری اقتضایی، از تلفیق رهبری سخت و رهبری نرم استفاده کرده است. بنابراین، رهبران انقلاب اسلامی (امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام) در قضایای مختلف در دو بازه زمانی بر مبنای مدیریت اقتضایی عمل کرده‌اند. در نمودار شماره (۴) مقایسه این دو الگو دیده می‌شود.



• نمودار ۴. مقایسه الگوهای رهبری امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۶. نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات انجام گرفته در خصوص رهبری امام راحل علیه السلام و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در سیاستمداری اسلامی با توجه به مدل «کری واک» در روش تطبیقی نشان می‌دهد که از منظر تئوریک و مبانی نظری، منظومه فکری هر دو بر مبانی توحیدی مبتنی است. با وجود این، رهبرکبیر انقلاب اسلامی علیه السلام در صحنه عمل و رفتار بیشتر بر مؤلفه‌های نرم تکیه داشته است. اگر چه در مواردی مشاهده می‌شود که از منظر تئوریک و عملی دارای مؤلفه‌های سخت بوده، ولی در شرایطی، کاربست مصادیق سخت امکان پذیر نبوده است. این در حالی است که مشاهده می‌شود که آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در رهبری خویش با توجه به شرایط و اقتضانات زمانه به صورت هوشمندانه بر مؤلفه‌های نرم و سخت تأکید می‌کند و مدل خویش را در صحنه عملیاتی به کار می‌گیرد؛ این پژوهش نشان می‌دهد که در تحلیل این تمایز ظاهری می‌توان گفت که نوع رهبری امام راحل علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام بر اساس مقتضیات زمان و به تعبیری مبتنی بر «مدیریت اقتضایی» بوده است؛ زیرا، اگر چه در سیره امام راحل علیه السلام شواهد بسیاری وجود دارد که ناظر به رهبری سخت در قبال مستکبران بوده است، مانند اینکه «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، با این همه، سیره نظری و عملی ایشان تکیه بر معنویت و خدامحوری آن رهبر کبیر علیه السلام بوده است. در زمان آن رهبر فقید، قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی به اقتضای عملیاتی می‌شد. این در حالی است که در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به صورت هوشمندانه با تکیه بر خداگرایی و معنویت که مؤلفه‌های نرم است، به کاربست مؤلفه‌های سخت نیز توجه می‌شود. از این رو، شرایط ساختاری و درونی کشور و نیز اقتضانات نظام بین‌الملل، کاربست الگوی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام را ممکن می‌کند. به نظر می‌رسد این تمایز به مدل مدیریت اقتضایی با توجه به اقتضانات داخلی، محیطی و بین‌الملل در حوزه سیاستمداری مربوط می‌شود؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که در مبانی، منظومه‌های فکری و اصول رهبری مرتبط با دو الگو هیچ‌گونه تمایزی وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
بیانات آیت الله خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>.
آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۷). غررالحکم و دررالکلم، تهران: محمدعلی انصاری قمی.
ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۴۰۵). الاشارات و التنبیهات، قم، نشر البلاغه.
ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۸۷). ترتیب مقایس اللغه، قم، مرکز الدراسات الحوزه و الجامعه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه).
اسدی فر، رویا و دیگران، (۱۳۸۸). طراحی مدل شایستگی مدیران دولتی ایران، تهران، دانشگاه پیام نور.
الوانی، سیدمهدی (۱۳۶۷). مدیریت عمومی، تهران، نشرنی.
ایمان، محمد تقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
پیروز، علی آقا (۱۳۹۱). رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۶). حرکت و تحول از دیدگاه قرآن (انسان در افق قرآن)، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). ر حیق مختوم: شرح حکمت متعالیه، قم، مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳). آوای توحید نامه امام خمینی به گورباچف و شرح نامه، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
حسینخانی، نورالله (۱۳۹۲). مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، کتاب فروشی اسلامی.
خاکی، غ (۱۳۹۶). روش پژوهش در مدیریت، تهران، بازتاب.
خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). پژوهش‌های بنیادین معاونت پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری (مجموعه سخنان مقام معظم رهبری) سایه سار ولایت، تهران، دفتر نشر معارف نهاد

نماینده‌ی مقام معظم رهبری.

_____ (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران موسسه جهادی صهبا.

_____ (۱۳۷۶). حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران،

سازمان تبلیغات اسلامی.

خسرو پناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی علیه السلام، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خسرو پناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای (دام عزه)، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رضوی، سید مصطفی، مرتضی اکبری، مرتضی جعفرزاده و محمدرضا زالی (۱۳۹۲). بازکاوی روش تحقیق آمیخته، تهران، دانشگاه تهران.

رفیع، حسین و سیدمحمد جواد قربی (۱۳۹۲). «بررسی کاربست راهبرد قدرت هوشمند در هیأت حاکمه جدید آمریکا». ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۱۱۶، مرکز تحقیقاتی راهبرد دفاعی.

سعدآبادی، حسن (۱۳۸۸). الگوی پیشنهادی در تحلیل روابط رهبر و پیرو در مکتب امام خمینی، تهران، دانشگاه پیام نور.

شفیعی، عباس (۱۳۸۴). استراتژی رهبری امام خمینی. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج.

شفیعی، عباس (۱۳۸۷). سبک رهبری امام خمینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شفیعی، عباس (۱۳۹۸). «الگوی رهبری معنوی هوشمند (الگوی رهبری آیت الله خامنه‌ای)» فصلنامه حکومت اسلامی، شماره اول، سال بیست و چهارم، شماره مجله ۹۱.

شیخ زاده، محمد (۱۳۹۲). رهبری خدمتگزار: پارادایمی نوین رهبری از دیدگاه امام خمینی (۲ جلد)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین ابن بابویه (۱۳۷۹). معانی الاخبار، [بی جا]، مکتبه الصدوق.

طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۴). المیزان فی تفسیرالقرآن قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عمید (۱۳۶۲). فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه عمید.

قرائتی، محسن (۱۳۷۵). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کرامتی، محمدتقی (۱۳۹۳). نیمه پنهان (سه جلدی). تهران، کیهان.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ ق.). الکافی، بیروت، دارالاضواء،
گرگی، ابراهیم و سجاد برخورداری (۱۳۸۸). مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران،
ثالث.

گل محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۸). بررسی نقش امام خامنه‌ای در مهار بحران‌های سیاسی
اجتماعی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
_____ (۱۳۸۵). آداب الصلوه، به اهتمام سید مهدی فهری، تهران، مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❦

_____ (۱۳۸۲). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ج ۱۲، تهران، مؤسسه تنظیم
و نشر آثار امام خمینی. ❦

_____ (۱۳۸۴). تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی. ❦

مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۳)، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه اسلامی.

Eva patricia Rakel(2008) the iranian political elite state and society relations
&foreign relations since the islamic revolution faculty of social &
behavioral sciences amesterdam(UVA)

John murphy (2008) modern world leaders:ali khamenei new york chelsea
house

Jerold D. green frederic (2009)Understanding iran santa monica:Rand

Said amir arjomand (2009) After khomeini:iran under his successors oxford
oxford university

Walk.K(1998)How to write a comparative Analysis writing center at harvard
university.